

فرم در معماری

۱۰۰۱ صورت از معماری

تألیف و ترجمه:

وحید شالی‌امینی

www.ketab.ir

نشر هنر معماری قرن

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا

سرشناسه:	شالی‌امینی، وحید، ۱۳۳۸
عنوان و نام پدیدآور:	فرم در معماری: هزارویک صورت از معماری/ ترجمه [و تألیف] وحید شالی‌امینی.
مشخصات نشر:	تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی هنری هنر معماری قرن، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۱۲۸ ص.: مصور (بخشی رنگی).
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۷۰۴۸-۸۴-۹
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیفا
عنوان دیگر:	هزار و یک صورت از معماری
موضوع:	معماری -- ترکیب، تناسب و غیره
موضوع:	معماری -- طراحی -- ترکیب، تناسب و غیره
رده‌بندی ده‌گانه:	۱۳۹۴ ف۲۴ش/ NA۲۷۶۰
رده‌بندی دیوید:	۷۲۰/۱
شماره کتابشناسی ملی:	۴۱۰۹۲۴۲

عنوان:	فرم در معماری (هزارویک صورت از معماری)
تألیف و ترجمه:	وحید شالی‌امینی
ناشر:	هنر معماری قرن
مدیر مسئول:	شهریار جانی‌نیا
مدیر مالی و بازرگانی:	سارا رحیمی
گرافیکست و صفحه‌آرا:	ساناز رحیمی
ویراستار:	مینا حنیفی‌واحد
چاپ اول:	۱۳۹۵
لیتوگرافی:	رسام گرافیک
چاپ:	ایبانه
صحافی:	فرانگر
شمارگان:	۱۰۰۰
قیمت:	۱۸۰۰۰۰ ریال

تولید آتلیه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی-هنری هنر معماری قرن
«عضو انجمن فرهنگی ناشران کتاب دانشگاهی»
با تشکر فراوان از همکاری علیرضا عظیمی حسن آبادی
© حق چاپ محفوظ است.

ISBN: 978-600-7048-84-9

ترجمه از مجموعه کتاب فرانسوی:
Ex Situ: L'Art et les Formes D'Architecture
François Blanciak
© 2008 Parenthèses

این اثر، مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هرکس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه‌ی ناشر به هر شکل اعم از نشر یا پخش عرضه کند، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

- نشانی: تهران، خیابان شهید مفتاح (شمالی)، پایین‌تر از خیابان شهید مطهری، خیابان زهره، خیابان قابوسنامه، پلاک ۱، طبقه‌ی همکف، واحد ۶. تلفکس: ۸۸۳۴۲۹۶۱-۸۸۳۴۲۹۶۰
- علاقه‌مندان می‌توانند در صورت تمایل، از آثار منتشر شده در زمینه‌ی معماری و معماری داخلی در دفتر این مؤسسه بازدید به عمل آورند.

فهرست

سخن ناشر	۶
آغاز سخن	۹
سوء تفاهمی به نام فرم در معماری!	۱۰
فصل یک: هنر کنگ	۱۶
فصل دو: نیر بورد	۳۸
فصل سه: کپنهاگ	۵۰
فصل چهار: لوس آنجلس	۶۶
فصل پنج: توکیو	۹۴
فصل شش: نمونه‌ی کاربردی	۱۱۶
منابع	۱۱۷

جریانی که نزدیک چهل سال پیش با جنبش اعتراضات دانشجویی ماه می آغاز شد، در فوریه سال ۲۰۱۶ به ثمر نشست. در این ایام، بالاخره جهان بر مفهوم «هنر اجتماعی» مهر تایید زد و معماران به عنوان آخرین گردان سربازان هنرمند، وارد سرزمین «کانسپت‌های اجتماعی» شدند. در این وادی بود که معماری انسان‌دوستانه، معماری اجتماعی، معماری مشارکتی و یا هر عنوان دیگری که تاکنون بر این جریان گذاشته شده بودند، به شکل رسمی، معرفی و مقبول واقع شد. نماد عظیم و نهایی این رویداد، معرفی برنده‌ی جایزه‌ی پریتسکر ۲۰۱۶ (آلخاندرو آراونا) بود. جایزه‌ای که با انتخاب سه‌گانه‌ی اخیر خود نشان داده بود دیگر تاب تحمل بستن چشمانش روی مصایب واقعی معماری را نداشت.

این جریان از آغاز هم قابل انکار نبود. تهمت‌ها، برچسب‌هایی که به این جریان توسط معماران دو تدارک‌نیم و اسب‌غرض ساخت معماری زده می‌شد، همگی در واقع فراری رو به جلو بود. شاید تنها سال‌هاست که لازم بود تا بشریت به بلوغ فکری آنچه که امروز به آن می‌بالد و به عنوان «هدفی نو» در معماری مطرح کرده است، برسد. این رویداد، نتیجه‌ی رگه‌هایی ضعیف، اما اصیل و واقع‌بینانه بود که در گوشه‌ی کنار جهان توسط فیلسوفان و جامعه‌شناسان مؤمن به رسالتی نو بر معماری مطرح شده بود. هر چند در تمام این ایام و به موازات یکدیگر، صداهایی نیز از دفاتر سوپرستارهای معماری جهان شنیده می‌شد که زبان بر اعتراض گشودند و حتی درخواست جایگزینی جایزه‌ای جدید در معماری را مطرح نمودند؛ ایشان اغلب فرمالیست‌هایی بودند که در واقع، عاجزانه از ترس حذف شدن از جریان معاصر جهان فغان سر می‌دادند!

در ایران نیز با بازگشت محمدامین میرفندرسکی و یارانش از ایتالیا به دانشگاه تهران و تصاحب سمت ریاست دانشکده، تلاشی جهت ایجاد رویکردهای اجتماعی در طرح‌های دانشجویان آغاز شد. تلاشی که قصد داشت پا را از زیبایی‌شناسی بوزاری فراتر برد و این روزها شاهد نتایج آن هستیم. طرح‌های معماری‌ای که دست در دست طراحی‌های شهری دارند، به پایبندی اجتماعی می‌انديشند، مردم را از کنج آپارتمان‌هایشان به کف پیاده‌روها و میدان‌ها آورده‌اند و می‌کشند زندگی را نه در اتاق ۳ در ۴ با نورگیر طبیعی، یا در کاخ‌های لوکس ویلا مانند، بلکه در سه محله‌ی شهر در میان دیگر مردمان، در میان صاحبان اندیشه‌های فرهنگ‌محور تعبیر نمایند. مشکل ما در این است که اینچنین معماری‌ای تنها از طرق معماری قابل حل نیست و باید به‌طور کلی در فرهنگ زندگی بعضی خود و آداب آن تجدید نظر نماییم.

نقطه‌ی اوج این جریان، انتخاب پویا خزانلی پارسا به عنوان معمار سال ۱۳۹۴ ایران بود. انتخابی

که نه به خاطر ویلاهای مدرن بلکه به علت فعالیت‌های بشردوستانه خزانلی انجام شد. این انتخاب ۶ ماه پیش از پریسکر ۲۰۱۶ انجام شد و نشان داد بخشی از جامعه‌ی معماران ایران نبض معماری جهان را به خوبی در دست دارد و دیگر نمی‌خواهد صرفاً پیرو مکاتب فکری آن طرفی‌ها باشد! با این حال، کتابی که در دست دارید باید نزدیک به یک سال پیش از این منتشر می‌شد. شاید بتوان خیلی بیشتر و سریع‌تر از آنچه که فکرش را می‌کنید نیز کتابی را به چاپ رساند، اما از آنجایی که هنر معماری قرن به تولید کتاب همچون کالایی پیش‌پا افتاده نمی‌نگرد، با رویکردی پژوهشی بر طراحی، معماری پایدار و انسان‌دوستانه گام برمی‌دارد و این تعهد درونی‌ست که ما را به تأمل بیشتر بر جریانات معاصر امر می‌نماید. تعهدی که به ما اجازه می‌دهد هر «جزوه»، «رساله»، «پایان‌نامه» یا «مجموعه‌ی اطلاعاتی» را با فرایندی وابسته به نرم‌افزار و بازار سیاه کاغذهای بازبختی، «کتاب‌سازی» کنیم و به‌دست مخاطبانمان بدهیم.

این کتاب مهر تفسیری بر فرمالیسم معماری نیست، بلکه نقطه‌ی پایانی است بر سال‌ها سرایش شعر معمار فرم معماری زین پس نمی‌تواند به صرف زیبا بودن، محیرالعقول بودن خود و یا حتی شگفتی‌ساز بودن، هنر ارزشی باشد. فرم، دیگر چه محصول دستان توانا باشد، چه حاصل نرم‌افزارهای زیرکانه، چه ماکت‌های اتفاقی، بی‌نفسه ارزشمند نیست. زین پس فرم معماری باید ارزش افزوده‌ای به ادبیات معاصر، بیست و هفتمین فصل از «تئوری معاصر» داشته باشد. فرم معماری دیگر نمی‌تواند محصول بازی‌های شکل‌بندی باشد، بلکه باید از دل «کانسپتی اجتماعی» رویش کند. قطعاً این امر با آنچه تاکنون به‌عنوان فرم می‌شناخیم تفاوت دارد. این فرم می‌بایست با طبیعت خود رشد نماید؛ با برنامه‌ی خود رشد و با مخاطبان خود گفت‌وگو نماید. معماری و تمام جلوه‌های آن، از جمله فرم معماری، زین پس پژوهشگاه تحقیقات اجتماعی، برای آینده‌ی بشریت و معماری است و کتاب ۲۰۰۱ صورت این امکان را پیش چشمان شما قرار می‌دهد تا به عمق مسئولیت اجتماعی خود پی‌برید!

باری، کار کردن در این وادی برای ما چون ورود به جهانی جدید و طراحی‌ست. گویی باید همه چیز را از صفر، دوباره آغاز نماییم؛ اما این ناخشنودی صرفاً از نو افشاده‌ای است که زین پس بر طرح‌هایمان اضافه خواهد شد. ناخشنودی‌ای از خویشی که را تا این به هنرمند واقعی می‌نماید و به قولی:

«غیر از این نکته که حافظ ز تو ناخشنود است در سرپای وجودت هنری نیست که نیست»

آغاز سخن

این کتاب در طی پنج سال گذشته، در چهار کشور متفاوت چین، داهارک، آمریکا و ژاپن، تهیه شده است، اما تنها در مرحله‌ی انتهایی بود که موفق به صرف زمان کافی برای نگارش آن شدم.

ابتدا لازم است از دولت ژاپن برای اختصاص بورسی به تحقیقات سال‌های نخست اقدام در توکیو به عنوان محقق آزاد، تشکر نمایم. جای بسی شگفتی است شهری مانند توکیو که معروف به یکی از گران‌ترین و آشفته‌ترین شهرهای دنیاست، محیط بسیار با ثباتی برای نخستین تحقیقات من بود.

من همچنین دینیادی به مدیران سابق خود: آرون تن، بیارکه انگلز، پیتز آیزمن و فرانک که به من اجازه دادند در موقعیت‌های متفاوت شهری و چالش‌های ناشناخته‌ی آن، شامل راه‌بری بسط تحقیقاتم فراهم نمودند. ماهیت سریالی، دست‌ساخت و بدون سببیت (EXPERIMENTAL) فرم‌های ارائه شده را نیز تا حد زیادی از کارهای لاکف چرنیخوف، جاکو هیدک و هرمن فینزترگن الهام گرفته‌ام.

چند تن از دوستانم نیز سرطی تونیون را با روشن‌بینی زیر سوال برده و تأویل‌های سازنده‌ای به من ارائه نمودند که باعث بهبود کیفیتش گردید؛ از آن جمله‌اند: ویتوتاس بکتوس، تینون چاو، سیری جوهانسن، یوران لوپر، ناپلئون مران، آیدا میرون، ماساشی ناگاموری، تام روسوتی، لئوپلندو، آدا سائیل سورکین، علی طباطبایی و آمدو تونکارا. همچنین میکائیل ورت و آندره مورگوز سارازان ارزشمندی برای به سرانجام رساندن این تحقیقات بودند.

در پایان باید اذعان نمایم که شرایط فیزیکی شهر توکیو - که همان احساس از هم پاشیدگی را به انسان القاء می‌کند - مرا تشویق نمود تا رچه زدن این کتاب ماجرأجویانه را به چاپ برسانم.

فرانسوا باسیل - توکیو